



میر عبدالواحد سادات

## بازتاب نسخه های ( ISI و GHQ ) در مسکو

بدینگونه مدعیان « فتح » قبر وطن را می کنند !  
بعد از اعلام اداره رییس جمهور جدید امریکا ، که گویا بر « موافقت نامه » انکشور با طالبان « بازنگری » مینمایند ،  
اتش بجان رهبران این گروه و حامیان شان افتیده و با « تعلیق » مذاکرات دوحه و مشوره طولانی در ( GHQ )  
با جنرالان پاکستانی و ( ISI ) ، هیات های را به تهران و مسکو فرستاده اند ، تا با « دیپلوماسی ذلت » و لطایف  
الحیل ، رفع موانع بخاطر رسیدن شان به ارگ کابل را ، از دشمنان دیروز شان تگدی نمایند .  
مضحکه تاریخ :

انانیکه مظلومترین خلق خدا را اغوا مینمایند که گویا ، بخاطر دین و ایین شما « جهاد » کردیم و ابر قدرت  
امریکا را شکست دادیم و باید ، مرهون و باجده ما باشید ، با يك اعلام « بازنگری » کچکول در گردن ، درویزه گی  
مینمایند :

### اگر این است عیش خاکساری ز پستی هم تنزل میتوان کرد

درین بازی کثیف قدرت خواهی رهبری طالبان سخنان رکیک رهبر و اولین « امیر المؤمنین » خود در مورد ایران و  
همچنان سخنان مشابه آقای خامنه ای در مورد طالبان را که هردو ، یکدیگر شانرا « خارج از دایره اسلام و ... »  
خوانده اند ، دیگر بخاطر نمی اورند .

هم مسکو و هم تهران با شناخت دقیق از طالبان بمتابه « ابزار » بر مبنای منافع جیوپولوتیک شان ، بخاطر  
مقابله با امریکا ، از مدتها قبل با طالبان روابط گسترده و پیچیده را برقرار نموده اند ، تا در جغرافیای افغانستان با  
رقیب اصلی ، تصفیه حساب و با جلوگیری از ناکامی « قرارداد دوحه » از شر حضور نظامی و نفوذ گسترده امریکا  
، بیغم گردند .

هیات طالبان در مسکو بریاست عباس ستانکزی ( همو که دو سال قبل از پلان نابودی قوای مسلح افغانستان سخن گفته بود و به همین خاطر ، لقب لارنس پاکستانی را به نام ایزاد نمودم ) ، کنار رفتن آقای دوکتور اشرف غنی را از قدرت را ، شرط همکاری با دولت آینده اعلام نمود !!!  
بدینترتیب ، برخلاف ادعای کاذب و همیشگی طالبان که :

مسایل دولت و آینده را فقط با افغانان و در مذاکرات بین الافغانی مطرح و تصمیم میگیریم ، اصل اساسی جور امد ، جنرالان پاکستان و آقای دوکتور خلیل زاد را بخاطر تطبیق توافق مکتوم دوحه و کنارزدن ، دولت موجود افغانستان افشا نمود !!!  
تاریخ چه ، بوالعجبی های دارد ؟

و افغانستان یکی از مظاهر همین عجائب و غرائب است و درین کشور است که برخلاف سخن کارل مارکس تاریخ تکرار میگردد !!!

حشر و نشر هیات طالبان با آقای ضمیر کابلوف و عکس را که با تبختر بنشر رسانیده اند ، خاطرات سفر مدعیان شکست اتحادشوری و دیوار برلین در مسکو و گرمجوشی ها با آقای روتسکوی و ... به اذهان متداعی میسازد :  
در انوقت نیز همین نسخه پاکستان را تنظیم های « جهادی » تکرار مینمودند که ، ما با دولت « دست نشانده » کنار نمی اییم و کلید ، « دولت سچه اسلامی » را از مسکو مطالبه مینمودند ، تا سرانجام به اساس همان نسخه دشمنان تاریخی افغانستان ، هست و بود وطن را به باد دادند و اما تیکه داران « جهاد » مردم مظلوم را مرهون خود میدانند و با گنج های قارونی بر زمین و زمان فخر میفروشدند و در تمام این مدت :  
وطن ، مردم مظلوم ، صلح واقعی و ترقی کشور را بگروگان گرفته اند .

اکنون نوبت طالبان است که همان سناریو و نسخه قبلی انگریزی حفران کهنه کار ( ISI ) را عملی نمایند .  
طالبان پیوسته گذارش میدهند که :

اظهر من الشمس است که :

صلح خواست اساسی و نیاز مردم به عزا نشسته ما و زمز بقا و تداوم افغانستان است و صلح باید ، با همین گروه تروریستی طالبان انجام یابد .

اما :

متاسفانه پروسه صلح به اساس تصمیم آقای ترامپ ( زنگی مست ) در سطح يك « پروژه » تنزیل و در خدمت منافع داخلی و اهداف انتخاباتی امریکا قرارگرفت ، که پیامد ان :

همین « قرارداد دوحه » است که در همنوایی با ( GH Q و ISI ) تنظیم و طالبان از يك گروه شورشی ، تروریست ، تا سطح « ساکندار آینده ارگ » ارتقا داد .

جوانب مخفی همین « قرارداد » ، اساس آغاز دور جدید کشمکش های جیوپولوتیک منطقوی و جنگ های نیابتی در افغانستان گردید .

کنار زدن دولت موجود افغانستان ازین معامله و عدم تمکین بخواست همیشگی مردم و جامعه جهانی بخاطر استقرار آتش بس ، باعث گردید ، که درین ده ماه حمام خون در کشور گرمتر و همه روزه کربلا و شطیلا در مرکز و ولایات تکرار گردد .

جالب است که از نسخه های زرادخانه پاکستان :

دولت موقت ، انتقالی ، سرپرست و ... تا کنار رفتن رییس جمهور صحبت میگردد و جلابان سیاسی عمال « کارشناسان » نیز انرا تبلیغ مینمایند و اما :

هیچکس از مکانیسم تطبیق ان حرف نمیزند و گویا طولانی ترین و پیچیده ترین جنگ با ابعاد بغرنج داخلی ، منطقی و بین المللی را بحساب ، انشالله پاکستانی ، کلوخ را گذاشتن و از آب تیر شدن و انهم قبل از شروع مذاکرات ، به استناد معامله با امریکا و در نتیجه يك کشور و مردم را غرق کردن است .  
گره زدن پروسه صلح بسیار پیچیده و کثیر الجوانب به یک شخص ، یک دسیسه سوپر شیطانی بخاطر فروپاشی نظام است .

ما را « جن زده » ، مسحور و مسموم ساخته اند و در غیر ، چرا ؟

از عبرتسرای تاریخ درس نمیگیریم ؟

مبرهن است که ، پاشنه اشیل ما :

فقدان حاکمیت عقل است !

و در غیر ان ، چرا از همان يك غار ، برای چندمین بار گزیده می شویم و در حالیکه پیغمبر اسلام فرموده است ، که :

کسیرا که از يك غار ، دو بار ، مار بگزد ، در جمع أمت من نمیباشد !

قبل از آنکه کشتی شکسته افغانستان نابود گردد ، باید به صدای نعل غشته بخون مادر وطن لبیک و اعتراض مدنی خود را متقرب و مشترک بسازیم و :

پلانهای شوم دشمنان تاریخی را بخاطر سبوتاژ و عقیم ساختن پروسه عملی صلح افشا و از صلح سراسری و پایدار و انفاذ اتش بس دایمی و سراسری دفاع و بر علیه حاکمیت فساد سالاران و حکومت فاسد قرار گیریم ، تا نظام و قانون اساسی از دسایس اجنبیان محفوظ بماند .

تکرار دوشکست هولناک در اوایل و اخیر قرن گذشته ، برای بار سوم ، نعل غشته بخون مادر وطن را ، تکه و پارچه مینماید .

زعامت دولت موجود بیاد داشته باشند که :

جمهوریت شعار میان تهی و وسیله تداوم فساد کاران نمی باشد . جمهوریت از یونان و بویژه در حقوق و علوم سیاسی معاصر بین المللی بعد از کانت و روسو در وجود دو حاکمیت :

- حاکمیت ملی

- حاکمیت قانون

مصادق پیدا مینمایید ، که امارت اسلامی ( اسارت اسلامی ) انرا مطرود و مردود میداند .

بدینرو :

حفظ نظام ، استقرار صلح واقعی و گذار افغانستان بشاهراه ترقی ، فقط در پرتو حاکمیت قانون که ستون فقرات دولت مقتدر ملی قانون محور و عدالت گستر است ، میسر میگردد ، که چنین دولت میتواند بر منجلاب کنونی فایق و شایسته دفاع مردم و جامعه جهانی باشد و در غیر ان راه ما به ترکستان می رود که :

چنین مبادا !

با حرمت